

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۱۳ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه

۶

نظریات علماء در مورد سورة فاتحه:

تعدادی از علماء بدین باور اند که خواندن فاتحه در نماز جنازه از خود پیغمبر صلی الله علیه وسلم با سند صحیح ثابت نیست و صحابه در این مورد اختلاف نموده اند ابن حجر رحمة الله می فرماید: این از مسائلی است که در آن اختلاف کرده اند: ابن منذر از ابن مسعود و حسن بن علی و ابن زبیر و مسور بن مخرمه مشروعیت آن را نقل نموده است و از ائمه قول امام شافعی و احمد واسحاق همین است.

از ابوهریره (رض) و ابن عمر (رض) نقل شده که در نماز جنازه قرائت خوانده نمی شود و قول امام مالک و اهل کوفه همین است (فتح الباری ج ۳ ص ۲۰۴).

امام ترمذی نیز می فرماید:

برخی از اهل علم از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وسلم و دیگران این را اختیار کرده اند که بعد از تکبیر اول فاتحه الکتاب خوانده شود و قول شافعی و احمد واسحاق همین است و برخی از اهل علم می گویند در نماز جنازه قرائت خوانده نمی شود و آن فقط ثناء بر الله و درود بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم و دعا برای میت است و این قول ثوری و دیگران از اهل کوفه می باشد. (ترمذی ج ۱ ص ۱۹۹ ابواب الجنائز باب ما جاء فی القراءة علی الجنازة بفاتحة الکتاب).

معنی «صلاة»:

این تعداد از علماء در استدلال خویش می نویسند که: لفظ «صلاة» به معنی دعا است چنان که در قرآن مجید در آیات زیر به معنی دعا و استغفار آمده است.

۱- «...كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ...» (نور/۴۱) هر يك (از آنچه در آسمان و زمین است) دعا و تسبیح خود را دانسته است.

۲- «... وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ...» (توبه/۱۰۳) و دعا کن و بخشش بخواه برای آن ها زیرا که دعای تو برای آن ها آرامش و اطمینانی است.

۳- «...هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ...» (احزاب/۴۳) او آن ذاتی است که ثنا و تعریف می کند شما را نزد فرشتگان و فرشتگان او نیز برای شما دعا می کنند و بخشش می طلبند.

چرا به ارکان مخصوص نماز «صلاة» می گویند؟

در ارکان مخصوص نماز، دعا شامل است از این جهت است که آن را به «صلاة» یعنی نماز نام گذاری کرده اند و این از قبیل تسمیه کل با اسم الجزء می باشد.

نماز جنازه نیز در اصل تعریف و ثنای الله و درود بر پیغمبر (ص) و دعا برای میت است و چون در برخی از احکام از قبیل رکوع، سجده، تشهد و غیره با مطلق نماز فرق دارد لذا بر نماز قیاس نمی شود و از حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» بر وجوب قرائت فاتحه استدلال گرفته نمی شود.

روش احسن نماز جنازه:

این تعداد از علماء روش احسن نماز جنازه را به شرح ذیل تشریح مینمایند: از شعبی روایت است که فرمود: فی التکبیرة الاولى یبدأ بحمد الله والثناء علیه والثانیة صلاة على النبی صلی الله علیه وسلم والثالثة دعاء للمیت والرابعة للتسليم. (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۷ ص ۲۵۱ شماره ۱۱۴۹۳). در تکبیر اول تعریف و ثنای الله را بگوید و دومی درود بر پیغمبر (ص) و سومی دعا برای میت و چهارمی برای سلام گفتن است.

ابوهریره (رض) چگونه نماز جنازه می خواند؟

امام مالک از سعید بن ابی سعید المقبری از پدرش روایت کرده است که او از ابوهریره (رض) پرسید که چگونه بر جنازه نماز می خوانی؟ ابوهریره در جواب فرمود:

«أَنَا لَعَمْرُ اللَّهِ أَخْبَرْتُكَ أَتْبَعُهَا مِنْ أَهْلِهَا فَإِذَا وَضِعَتْ كَبُرْتُ وَحَمِدْتُ اللَّهَ وَصَلَّيْتُ عَلَى نَبِيِّهِ ثُمَّ أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ كَانَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تَقْتُلْنَا بَعْدَهُ». (موطا امام مالک - کتاب الجنائز باب ما يقول المصلي على الجنازة)

من به تو خبر می دهم که از میان اهلس او را همراهی می کنم زمانی که بر زمین گذاشته شد تکبیر می گویم و تعریف و ستایش الله را می گویم و بر پیامبرش صلی الله علیه وسلم درود می خوانم سپس می گویم:

ای الله همانا این بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو بوده است (پدر و مادرش مراد هستند) به این که معبود به حق به جز تو نیست و این که محمد بنده و رسول تو است گواهی می داد و تو به احوال او داناتری. ای الله اگر نیکوکار بوده است در نیکی اش (ثوابش) اضافه کن و اگر بدکار بوده است از گناهانش درگذر بفرما.

ای الله ما را هم از پاداش (نماز بر جنازه) او محروم نفرما و بعد از او ما را در فتنه نینداز.

در این روایت آمده است که ابوهریره می فرماید: بعد از تکبیر اول ثناء الله و بعد از تکبیر دوم درود بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم و بعد از تکبیر سوم دعا است.

روش دعا:

یک تعداد از علماء در مورد روش دعا برای میت می نویسند: روش و طریقه دعا نیز در احادیث به همین صورت آمده است. حضرت فضاله بن عبید می فرماید: آن حضرت (ص) فرمودند: «إِذَا صَلَّيْ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيدِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يَدْعُو بَعْدَ بِمَا شَاءَ» (ابوداود، کتاب الصلوة باب الدعاء ج ۱ ص ۲۱۸) زمانی که یکی از شما نماز بخواند باید اول از ستایش و ثنای پروردگارش شروع کند سپس بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم درود بفرستد بعد از آن به آنچه می خواهد، دعا کند.

هدف از نماز جنازه چیست؟

یک عده از علماء هدف نماز جنازه را چنین تعریف می نمایند: نماز جنازه فقط به خاطر دعا برای میت است. حضرت ابوهریره (رض) می فرماید: من از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَى الْمَيِّتِ فَأَخْلِصُوا لَهُ الدُّعَاءَ» (ابوداود، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمیت شماره ۳۱۹۹، زمانیکه بر میت نماز خواندید (یعنی دعا کردید) خالصانه برایش دعا کنید.

عبدالله بن عمر (رض) در نماز جنازه قرائت نمی خواند.

امام مالک (رح) از نافع روایت کرده است که: «عبدالله بن عمر در نماز جنازه قرائت نمی خواند» (موطا امام مالک، کتاب الجنائز باب ما یقول المصلی علی الجنائز) این حدیث در مصنف ابن ابی شیبہ به شماره ۱۱۵۲۲ نیز روایت شده است.

استدلال امام ابوحنیفه (رح) :

امام محمد رحمه الله در موطا ابواب الجنائز باب الصلوة علی المیت و الدعاء حدیث ابوهریره (رض) را از امام مالک روایت کرده است و می فرماید: قال محمد وبهذا ناخذ لا قراءة علی الجنائز و هو قول ابی حنیفه رحمه الله دلیل ما همین حدیث است که بر جنازه قرائت نیست و قول امام ابوحنیفه نیز همین است.

عمل اهل مدینه :

امام مالک عالم مدینه منوره رحمه الله می فرماید: «قراءة الفاتحة لیست معمولاً بها فی بلدنا فی صلاة الجنائز» خواندن فاتحه در نماز جنازه در شهر ما معمول نیست.

(کشف المغطا عن وجه الموطا بر حاشیه موطا امام مالک ص ۲۱۰)

محمد بن عبدالله بن ابی ساره می فرماید: من از سالم پرسیدم: آیا بر جنازه قرائت خوانده می شود؟ فرمود: «لا قراءة علی الجنائز» بر جنازه قرائت نیست (مصنف ابن ابی شیبہ ج ۷ ص ۲۵۹-۱۱۵۳۲) سالم از یکی از فقهای مدینه و فرزند نافع است که بر عدم قرائت در نماز جنازه فتوی می داد.

علمائی که قائل به عدم قرائت در جنازه هستند:

ابوبکر بن ابی شیبہ در مصنف خود کتاب الجنائز من قال لیس علی الجنائز قراءة. از کسانی که قائل به عدم قرائت در جنازه هستند روایاتی را آورده که عبارتند از:

۱- ابن عمر (رض) (شماره ۱۱۵۲۲) ۲- محمد بن سیرین رحمه الله (شماره ۱۱۵۲۳) ۳- ابو العالیه «رح» (شماره-

۱۱۵۲۴) ۴- فضالة بن عیید «رح» (شماره- ۱۵۲۵)

۵- پدر ابوسعید بن ابی بردہ (شماره- ۱۱۵۲۶) ۶- عطاء «رح» (شماره- ۱۱۵۲۷) ۷- شعبی «رح» (شماره- ۱۱۵۲۸) ۸-

طاووس «رح» (شماره- ۱۱۵۲۹) ۹- بکر بن عبدالله «رح» (شماره- ۱۱۵۳۰) ۱۰- میمون «رح» (شماره- ۱۱۵۳۱) ۱۱-

سالم «رح» (شماره- ۱۱۵۳۲)

حدیث ابن عباس و جواب به آن :

« عَنْ طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ صَلَّيْتُ خَلْفَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَلَى جَنَازَةٍ فَقَرَأَ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ قَالَ لِيَعْلَمُوا أَنَّهَا سُنَّةٌ » (صحيح بخارى، کتاب الجنائز، باب قراءة فاتحة الكتاب على الجنائز)

طلحه بن عبدالله بن عوف می فرماید: من پشت سر عبدالله بن عباس ای نماز خواندم فاتحه کتاب را خواند و فرمود: تا بدانید که آن سنت است. آن هائی که به خواندن فاتحه در نماز قائل اند از این حدیث استدلال می گیرند که ابن عباس فرمود: «لتعلموا انها سنة» یعنی تا بدانید که آن سنت است.

در جواب گفته می شود نخست ما باید تعریف سنت را بدانیم سنت از نظر لغت یعنی راه و روش و در اصطلاح به معنی ما واطب علیه النبی صلی الله علیه وسلم من غیر افتراض» (فتح القدیر ج ۲ صفحه ۳۹۸ باب النوافل) یعنی آنچه پیغمبر صلی الله علیه وسلم بر آن مواظبت نموده (و گاهی اوقات آن را ترك کرده است) تا ثابت شود که فرض نیست با توجه به این تعریف معلوم می شود که سنت اصطلاحی مراد نیست چون اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر خواندن فاتحه در نماز جنازه مواظبت می فرمود صحابه و تابعین که از اسلاف هستند، با هم اختلاف نمی کردند.

ابن تیمیه رحمه الله می فرماید: فان السلف فعلوا هذا وهذا و كان كلا الفعلين مشهورا بينهما كانوا يصلون على الجنازة بقراءة و غیر قراءه. (مجموع الفتاوى ج ۲۴ ص ۱۸۸ مسئله الصلاة بعد الاذان الاول يوم الجمعة). یعنی هر دو عمل در میان سلف مشهور بود و بر جنازه با قرائت و بدون قرائت نماز می خواندند. ابن بطال رحمه الله می فرماید: کسانی که در نماز جنازه قرائت نمی خواندند و آن را تردید و انکار می کردند عبارتند از:

۱- عمر بن خطاب «رض»

۲- علی بن ابیطالب «رض»

۳- ابن عمر رضی الله عنهما

۴- ابوهریره رضی الله عنه

و از تابعین:

۱- عطاء «رح»

۲- طاووس «رح»

۳- سعید بن مسیب «رح»

۴- ابن سیرین «رح»

۵- سعید بن جبیر «رح»

۶- شعبی «رح»

۷- حکم «رح»

و ابن منذر می فرماید قول مجاهد و حماد و ثوری نیز همین است. (كشف المغطا عن وجه موطا بر حاشیه موطا ص ۲۱۰).

پس ثابت شد که این مسأله از زمان صحابه و تابعین و ائمه مجتهدین مختلف فیه بوده است. نزد احناف خواندن فاتحه واجب و یا سنت نیست آنچه سنت است خواندن حمد و ثنا است چنانچه که در روایت ابوهریره (رض) بیان شد و علماء در مورد حدیث ابن عباس جواب های متعددی را ذکر کرده اند. مفتی رشید احمد رحمه الله می فرماید: ابن عباس سورة فاتحه را به قصد ثنا و دعا خوانده است و این که فرمود که آن سنت است معنایش این است که در فاتحه حمد و ثنا است و در نماز جنازه حمد و ثنا سنت است و شواهدی وجود دارد که این معنا را تأیید می کنند که عبارتند از:

۱- حدیث ابوهریره «رض» که در آن بعد از تکبیر حمد و ثنا مذکور است و از سورة فاتحه ذکر نشده است معلوم می گردد که در این اثر ابن عباس رضی الله عنهما مقصود خواندن فاتحه به قصد دعا می باشد. در این صورت در میان روایات تعارض می آید.

۲- اگر مقصود ابن عباس قرائت می بود بعد از هر تکبیر فاتحه را می خواند زیرا که در نماز جنازه هر تکبیر به منزله يك ركعت است و در هر ركعت نماز سورة فاتحه خوانده می شود.

۳- از ابن عباس (رضی الله عنهما) با سند صحیح روایت شده است که بعد از فاتحه سوره نیز خوانده است. (اعلاء السنن ج ۱ ص ۱۵۷). از این حدیث ثابت می شود که ابن عباس فاتحه و سوره هر دو تا را به نیت ثناء و دعا خوانده است زیرا که هیچ کس به این قائل نیست که در نماز جنازه همراه با فاتحه سوره را نیز به غرض قرائت بخواند. (احسن الفتاوی ج ۴ ص ۲۳۵).

جواب دوم: احتمال دارد که منظور ابن عباس این باشد که نماز سنت است نه قرائت. (کشف المغطاء بر حاشیه موطاء ص ۲۱۰).

جواب سوم: حدیث ابن عباس با همه آثاری که قبلاً ذکر شدند، معارض است.

جواب چهارم: حدیث ابن عباس با عمل اهل مدینه که از امام مالک روایت شده است معارض است. (کشف المغطاء بر حاشیه موطاء ص ۲۱۰).

جواب پنجم: حدیث ابن عباس با روایتی که حافظ در فتح الباری و عمرو بن شیبہ در اخبار مدینه و مکه با سند قوی از ابی حمزہ روایت کرده اند که می گوید: «من به ابن عباس گفتم در کعبه چگونه نماز بخوانم فرمود: کَمَا تُصَلِّي فِي الْجَنَازَةِ ، تُسَبِّحُ وَتُكَبِّرُ وَلَا تَرْكَعُ وَلَا تَسْجُدُ » (فتح الباری ج ۵ ص ۲۶۲ باب من کبر فی نواحی الکعبه) نیز معارض است. (العرف الشذی بر حاشیه ترمذی ج ۱ ص ۱۹۹ کتاب الجنائز)

جواب ششم: احتمال دارد که سنت اجتهادی مراد باشد چنانکه امام شافعی فرموده است که گاهی ما از صحابی لفظ سنت رامی یابیم. لیکن آنچه تحت این لفظ داخل است مرفوع نیست بلکه استنباط و اجتهاد آن صحابی است. (العرف الشذی بر حاشیه ترمذی ج ۱ ص ۱۹۹ کتاب الجنائز).

نماز جنازه بر پیامبر اسلام:

مؤرخ و سیرت نویس مشهور جهان اسلام شیخ صفی الرحمن مبارکفوری در کتاب خویش «رحیق المختوم» درباره نماز جنازه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم می نویسد :

رسول الله صلی الله علیه وسلم لحاظاتی که به حالت احتضار در آمد به حضرت بی عایشه تکیه داشت : طوری که در روایت بی عایشه آمده است : یکی از نعمتهای الهی بر من، این بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه ام و روز نوبتم در حالی که میان سینه و گلویم تکیه داده بود، رحلت فرمود و آب دهانم با آب دهان ایشان هنگام مرگ مخلوط شد. به این صورت که عبدالرحمن بن ابوبکر در آن هنگام وارد شد و مساکی به دست داشت؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالی که به من تکیه داده بود، به او نگاه می کرد.

حضرت بی بی عایشه می افزاید : فهمیدم که دوست دارد، مسواک بزند. به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتم: می خواهی آن را برایت بگیرم؟

رسول الله با سر اشاره کردند که بلی . مسواک را گرفتم و چون سخت و خوشک بود، گفتم: آیا با دهانم نرمش کنم؟ اشاره کرد که بلی ؛ با دهانم مسواک را جویدم و به پیامبر صلی الله علیه وسلم دادم و ایشان بهتر از همیشه مسواک زد. ظرف آبی پیش رویش قرار داشت؛ دستش را با آن آب تر می گرد و به صورتش می کشید و می گفت: «لا اله الا الله» مرگ سكرات و سختی های دشواری دارد!^۱

چیزی از مسواک زدن پیامبر باقی نمانده بود که دستش یا انگشتش را بلند نمود و چشمانش به طرف سقف بلند شد و لبانش حرکتی کرد.

بی بی عایشه آن حضرت را به طرف خودش مایل نمود و ایشان می گفت: با آن کسانی که به آنان نعمت داده ای، اعم از پیامبران، صدیقان و شهداء و صالحین؛ بار خدایا! مرا بیمارز و مرا مشمول رحمتت بگردان و مرا به ملکوت اعلی

برسان؛ بار خدایا! به رفیق اعلیٰ! و جمله آخر را سه بار تکرار کرد و دستش افتاد و به رفیق اعلیٰ پیوست. «انا لله و انا الیه راجعون» لحظه وفات رسول الله در شدت گرمای قبل از ظهر روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال ۱۱ هجری بود. بدین ترتیب عمر ایشان ۶۳ سال و چهار روز بوده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم را روز سه شنبه با همان لباسها غسل دادند. صحابه که در غسل پیامبر صلی الله علیه وسلم سهم گرفتند عبارتند از:

عباس، علی، فضل و قثم فرزندان عباس و شقران برده آزاد شده رسول الله و اسامه بن زید و اوس بن خولی. عباس و فضل و قثم پیکر پیامبر صلی الله علیه وسلم را پهلوی به پهلوی می گردانند و اسامه و شقران آب می ریختند و علی او را غسل می داد و اوس او را به سینه اش تکیه داده بود.

پیکر پیامبر صلی الله علیه وسلم را سه بار غسل دادند، اول با آب، سپس با سدر، مرتبه سوم با آب چاهی به نام «غرس» که متعلق به سعد بن خثیمه و در ناحیه قباء بود و از آن آب می نوشیدند.

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم را در سه پارچه سفید سحولی، از جنس پنبه کفن کردند و پیراهن و عمامه، جزو کفن رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نبود.

در مورد محل دفن رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز میان صحابه کرام اختلاف افتاد. ابوبکر صدیق (رض) گفت: از رسول خدای صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود:

هیچ پیامبری قبض روح نمی شد مگر آن که در همان جایی که جان می سپرد، دفن می گردید. پس از آن ابوطلحه فرشی را که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن وفات کرده بود برداشت و همانجا را حفر کرد و برای قبر لحدی نیز حفر نمود.

سپس مردم، به طور گروههای ده نفری وارد خانه شدند و به صورت فرادی و بدون این که کسی امام باشد، نماز جنازه خواندند. اولین کسانی که بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جنازه گزارند، خویشاوندانش بودند. سپس مهاجران و بعد انصار، آنگاه زنان و سپس کودکان.

ابن عباس رضی الله عنه می گوید:

« .. دخل الناس علی رسول الله صلی الله علیه وسلم أرسالا یصلون علیه حتی إذا فرغوا أدخلوا النساء حتی إذا فرغوا أدخلوا الصبیان ولم یوم الناس علی رسول الله صلی الله علیه وسلم أحد »

«نخست مردان به تنهایی آمدند و بدون جماعت بر پیامبر نماز خواندند؛ سپس زنان و بعد از آن، بچه ها (و بعد از آنها بردگان آمدند) و نماز خواندند، و هیچکس امامت نکرد». دلائل النبوه، ج ۷، ص ۲۵۰ – سنن ابن ماجه، شماره ۱۶۲۸. و ابن کثیر می گوید: «این خبر متفق علیه است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز جنازه با جماعت خوانده نشد». (البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۳۲.)

اسلام شیخ صفی الرحمن مبارکفوری می افزاید :

روز سه شنبه به همین منوال سپری شد و شب چهارشنبه فرا رسید. عایشه می گوید: ما هنوز از دفن رسول الله صلی الله علیه وسلم بی خبر بودیم که در دل شب و به روایتی آخر شب چهارشنبه صدای بیل ها را که خاک می ریختند، شنیدیم. برای تفصیل موضوع مراجعه فرمائید به : الموطأ، امام مالک، کتاب الجنائز، «باب ماجاء فی دفن المیت» ج ۱، ص ۲۳۱؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۸۸-۲۹۲.

در حالاتی که نماز جنازه بر میت خوانده نمی شود؟

گفتیم نماز جنازه بر میت فرض کفایه است، حتی اگر میت در حال حیاتش انسان گناهکار و فاسقی هم بوده باشد، و یا بلافاصله بعد از تولد بمیرد.

امام نووی رحمه الله می گوید :

«نماز بر میت در نزد ما بدون هیچ اختلافی فرض کفائی است، و به اجماع رسیده است» «شرح المذهب» (۵/۱۶۹).

و می گوید : «و اما (نماز جنازه) بر کودک، در مذهب شوافع و مذهب جمهور سلف و خلف واجب است، و حتی ابن منذر اجماع نقل کرده است». «شرح المذهب» (۵/۲۱۷).

و هیچ استثنائی در مورد جنازه مسلمان وارد نشده، مگر کسی که در میدان نبرد و جهاد شهید شده باشد، که جمهور اهل علم - از جمله امام مالک و شافعی و روایتی از امام احمد - گفتند : بر پیکر شهید نماز خوانده نمی شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم بر شهدای احد نماز نخواندند.

نگاه کنید به : «المغنی» (۲/۳۳۴).

امام ابن قیم رحمه الله می گوید :

«بر شهید معرکه نماز خوانده نمی شود، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر شهدای احد نماز نخواندند، و شناخته نشده که ایشان بر کسی از شهداء که همراه ایشان در غزوات حضور داشتند نماز خوانده باشند، و همینطور خلفای راشدین و جانشینان بعد آنها». «زاد المعاد» (۳/۲۱۷).

و علامه عبدالعزیز ابن باز گفتند :

«شهداء یعنی آن کسانی که در میدان جنگ کشته شدند، نماز جنازه بر آنها مطلقاً مشروع نیست و غسل داده نمی شوند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم بر شهدای احد نماز نخواندند و غسلشان نداد. بخاری در صحیحش (۱۳۴۷) از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است». (تفصیل موضوع را می توان درمجموع فتاوی ابن باز (۱۶۲/۱۳) مطالعه فرمود)

علامه ابن عثیمین هم مشابیه همین سخن را گفتند، مراجعه شود به : الشرح الممتع (۵/۳۶۷).

اما بعضی از اهل علم گفتند : نماز بر شهداء جایز است ولی واجب نیست.

و علامه البانی در «کتاب الجنایز» می گوید :

«شهداء نیز از جمله کسانی هستند که نماز جنازه بر آنان جایز است، در این باره روایات متعددی وجود دارد، مثلاً شداد بن الهاد می گوید: مردی بادیه نشین نزد نبی اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و ایمان آورد و از او پیروی کرد و گفت: می خواهم با شما هجرت کنم؟ دیری نگذشت که برای جنگ با دشمن، برخاستند. لحظاتی بعد، آن مرد را که تیر خورده و مرده و بر روی دستها حمل می شد، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند. او را در عبایش کفن نمود و جلو گذاشت و بر او نماز خواند. نسائی و غیره با سند صحیح..

با وجود این احادیث باز هم می گوئیم نماز جنازه شهید واجب نیست. به این دلیل که تعداد زیادی از یاران رسول الله رضی الله عنهم در غزوه بدر و جاهای دیگر شهید شدند. اما نقل نیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آنها نماز بخواند. بنابراین ابن قیم می گوید: به خاطر روایات مختلف در این مورد بهتر است بگوئیم: خواندن نماز بر شهداء اختیاری است، چنان که طبق روایتی امام محمد نیز همین را گفته است (تهذیب السنن). بنده می گویم: بدون شک خواندن نماز بر آنها از خواندن بهتر است».

و اما جنینی که سقط شود درحالی که چهار ماه را کامل نکرده باشد بر او نماز خوانده نمی شود، زیرا هنوز روح در او دمیده نشده، ولی اگر بعد از چهار ماه کامل سقط شود، بر او نماز خوانده می شود.

عبدالله فرزند امام احمد نقل می کند : «شنیدم که از پدرم درباره نوزاد سوال شد : چه وقت بر او نماز خوانده می شود؟

پدرم گفت: اگر سقط در چهار ماهگی باشد بر او نماز بخوان.

پرسید: بر او نماز خوانده شود هر چند که گریه نکند؟

گفت: بلی «مسائل الإمام أحمد» (صفحه: ۱۴۲).

و علمای هیأت دانی افتاء گفتند: «اگر چهار ماه را کامل نکرده باشد، نه غسل داده می شود و نه بر او نماز خوانده شود، و لازم به تسمیه و عقیقه هم نیست، زیرا روح به وی نفخ نشده است».

«فتاوی اللجنة الدائمة» (۸/ ۴۰۸).

نماز جنازه بر کافر، مرتد و منافق:

مرتد کسی است که بعد از اسلام از دین مقدس اسلام بیرون می شود، مثل کسی که به صورت عمدی مرتکب شرک به خدا (ج) می شود، مثلاً با دانستن معنی و مفهوم کار خویش و بعد از رسیدن حکم برای مسلمان از اهل قبور استمداد و استعانت می طلبد و آنها را به فریاد و دعاء می خواند و یا کسی که منکر قرآن یا جزئی از آن شود، و یا حرامی که مورد اتفاق مسلمین باشد را حلال بداند، مثلاً شرابخواری را جایز و حلال بداند، یا زنا و ربا را جایز بداند، یا کسی که ادعای غیب کند و یا اهل سحر و جادو باشد، یا آیات خدا و رسولش را مسخره کند. (برای توضیح بیشتر مراجعه شود به: «الموسوعة الفقهية» (۳۵۰/۴۲).

علامه ابن عثیمین می گوید:

«مرتد با انواع آن، همانند کافر اصلی با او رفتار نمی شود، بلکه او ملزم به (توبه) و بازگشت به اسلام می شود، اگر اسلام آورد که هیچ، وگرنه به عنوان حد کشته می شود، و در کنار مسلمانان دفن نمی شود و بر او نماز خوانده نمی شود». «فتاوی نور علی الدرب» - لابن عثیمین (۱۴/ ۶).

و اما منافق:

کسی که در بین مسلمانان تظاهر به اسلام می کند، اما در خفی و پنهانی کفر می ورزد و اعتقادی به اسلام ندارد، بر همچون کسی نماز خوانده نمی شود، البته به شرطی که نفاق او بر مردم ظاهر شود، الله متعال می فرماید: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه ۸۴).

یعنی: «هرگز بر مرده هیچ یک از آنان (یعنی منافقان) نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش)، نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند».

بخاری روایت کرده: عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: روزی که عبد الله بن اُبی مُرد، پسرش نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! پیراهنت را عنایت کن تا پدرم را با آن کفن کنم. و بر او، نماز جنازه بخوان و برایش، دعای مغفرت کن.

رسول الله صلی الله علیه وسلم پیراهنش را به او عطا کرد و فرمود: «أَذْنِي أَصَلَّى عَلَيْهِ». «هنگامی که جنازه آماده شد، مرا خبر کن تا بر او، نماز بخوانم». سپس آمد و رسول خدا صلی الله علیه وسلم را مطلع ساخت. هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم خواست بر او نماز بخواند، عمر پیراهن ایشان را گرفت و گفت: مگر خداوند شما را از نماز خواندن بر منافقین، منع نفرموده است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَنَا بَيْنَ خَيْرَتَيْنِ، قَالَ: اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ». «به من اختیار داده شده است. خداوند می فرماید: (چه برای منافقان، طلب مغفرت کنی چه نکنی، تفاوتی ندارد. حتی اگر هفتاد بار برای آنها طلب آمرزش کنی، خداوند هرگز آنها را نخواهد بخشید)». سرانجام، رسول الله صلی الله علیه وسلم بر او نماز خواند، سپس، خداوند این آیت را نازل فرمود: (بر هیچیک از مردگان منافق، نماز نخوان). بخاری (۱۲۶۹).

شیخ الاسلام ابن تیمیه می گوید :

«نفاق هرکسی ظاهر شود نماز بر او و استغفار برای وی جایز نیست، اما برای کسی که نفاق او معلوم نشود بر وی نماز خوانده می شود و هرگاه شخصی نفاق کسی برایش معلوم باشد او نباید بر وی نماز بخواند، ولی کسانی که نفاق او برایشان معلوم نشود بر وی نماز بخوانند. عمر رضی الله عنه بر کسی که حدیقه بر او نماز نمی خواند، نماز نمی خواند، زیرا حدیقه در غزوه تبوک منافقینی که عزم یورش بر رسول الله صلی الله علیه وسلم را داشتند، شناخت.» «منهاج السنة» (۵ / ۱۶۰).

بطور خلاصه :

۱- نماز خواندن بر جنازه هر مسلمانی واجب است، حتی اگر جنینی باشد که سقط شده است.

۲- جنینی که به چهار ماه کامل نرسیده و سقط شود، بر او نماز خوانده نمی شود.

۳- بر شهدای میدان جهاد نماز خوانده نمی شود، ولی اگر کسی نماز خواند ایرادی ندارد.

۴- بر کافر، مرتد، و منافقی که نفاقش آشکار شده باشد نماز خوانده نمی شود.

نماز جنازه بر میتی که چند سال قبل وفات نموده :

قبل از همه باید گفت که خواندن نماز جنازه بر میت هر مسلمانی فرض کفائی است، یعنی واجب است عده ای از مسلمانان بر او نماز بخوانند تا این واجب از دوش همه ساقط شود.

بنابر این مادام که این مرد فوت کرده و هیچ کس بر او نماز نخوانده، واجب است که اکنون بر وی نماز جنازه خوانده شود؛ چه بر قبر ایشان در قبرستان باشد که در آن صورت یک یا چند مرد آنجا رفته و در کنار قبرش بر او نماز بخوانند و یا اگر قبر او در خارج کشور یا جای دوری است، پس نماز جنازه را به صورت غائب بر او بخوانید، که در این مورد زنان هم می توانند در نماز شرکت داشته باشند.

اهل علم گفتند که اگر میت دفن شود بدون آن که بر او نماز خوانده شود، می بایست بعد از دفن بر او نماز خواند. علامه ابن عثیمین گفته : «اگر بر میت نماز خوانده نشده باشد، بر او نماز می خوانیم هر چند بعد از سالها باشد.» «الشرح الممتع» (۵ / ۴۴۰).

و شیخ البانی در « کتاب الجنایز » می گوید : «اگر میت بدون نماز جنازه دفن گردد .. می توان بر قبرش نماز جنازه خواند.

احادیث متعددی در این باره آمده است؛ ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند : «مَاتَ إِنْسَانٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعُودُهُ، فَمَاتَ بِاللَّيْلِ، فَدَفَنُوهُ لَيْلًا، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَخْبَرُوهُ، فَقَالَ: «مَا مَنَعَكُمْ أَنْ تُعَلِّمُونِي؟» قَالُوا: كَانَ اللَّيْلُ فَكِرْهَنَا، وَكَانَتْ ظُلُمَةٌ أَنْ نَشُقَّ عَلَيْكَ قَبْرَهُ فَصَلَّى عَلَيْهِ» بخاری (۱۲۴۷).

یعنی : «مردی فوت کرد که در دوران مریضی اش رسول الله صلی الله علیه وسلم به عیادت او می رفت. هنگام شب او را دفن کردند. وقتی صبح شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم را از مرگ او آگاه ساختند، فرمود: چرا مرا اطلاع ندادید؟ گفتند: ای رسول الله! شب و هوا تاریک بود. لذا نخواستیم شما را به زحمت بیندازیم. آنگاه، رسول الله صلی الله علیه وسلم کنار قبر او رفت و بر او نماز جنازه خواند».

این حدیث دلیل بر جواز نماز بر قبر متوفی بعد از دفن اوست.

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَى النَّجَاشِيَّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ خَرَجَ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَفَّ بِهِمْ وَكَبَّرَ أَرْبَعًا». بخاری و مسلم.

یعنی : رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر مرگ نجاشی (پادشاه حبشه) را که در سرزمین حبشه فوت کرده بود، اعلام نمود و به مصلی رفت و مسلمانان صف بستند و آنحضرت چهار تکبیر گفت..
این حدیث دلیل بر جواز نماز به صورت غائب بر میت است، که بعضی از علماء گفتند : نماز غائب تنها بر کسی خوانده می شود که بر او نماز جنازه خوانده نشده باشد.

ادامه دارد